

مقاله پژوهشی

سبک‌شناسی فکری رباعیات مختارنامه عطار

حمزه اکبری زاده، نعمت اصفهانی عمران*، حمید طبسی

گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران.

اردیبهشت ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۲، صفحات ۱۸۷-۲۰۵

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۲.۰۱

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: فرم و محتوای هر متن ادبی تأثیری مستقیم بر یکدیگر دارند، به نحوی که نمیتوان آنها را از هم مجزا کرد. بستگی به دیدگاه نویسنده یا شاعر، فرم یا محتوا میتواند بر دیگری غلبه کند و دلالت‌های متن را تغییر دهد. مختارنامه عطار از جمله متونی است که با وجود فرم و قالب مشترک رباعی، دارای محتواهای متعددی است. فهم و درک این محتواهای گوناگون نیازمند طبقه‌بندی و نگاه سبک‌شناسی است، تا بتوان با استفاده از تجزیه و تحلیل این رباعیات، به سبک محتوایی و معنایی آنها دست پیدا کرد. بر همین اساس در این مقاله تلاش شده با رویکرد سبک‌شناسی و با توجه به محتوای رباعیات مختارنامه، مضامین این اثر در رباعیات تجزیه و تحلیل گردد. در این پژوهش مضامین رباعیات عطار استخراج و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

روش مطالعه: روش تحقیق در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات مبتنی بر پژوهش‌های کیفی با رویکرد سبک‌شناسی، توصیفی و تحلیلی است. منظور از بررسی مضامین، پرداختن به درونمایه‌های معنامند و تکرارشونده مفهومی است که هم محتوای متن ادبی را سامان میدهد و هم فرم و زیباشناسی اثر را نمایان میکند.

یافته‌ها: رباعیات عطار را میتوان از جهات مختلف بر اشعار دیگر رباعی‌سرایان برتری داد، از جمله مفاهیم ناب اخلاقی و عرفانی که هیچ زمان تازگی خود را ازدست نخواهند داد.

نتیجه‌گیری: درونمایه‌های عارفانه، تعلیمی، فلسفی، خیامی و عاشقانه مهمترین درونمایه‌های این اثر است که مضامینی همچون توحیدگرایی، حیرت، ترکیه نفس، مرگ و بی‌اعتباری دنیا، قلندریات و عشق الهی را دربر میگیرد.

تاریخ دریافت: ۰۳ بهمن ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۰۶ اسفند ۱۳۹۹
تاریخ اصلاح: ۱۷ اسفند ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۰۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

عطار، رباعیات، سبک‌شناسی، مضامین فلسفی، مختارنامه، عرفان.

* نویسنده مسئول:
Dr.esfahaniomran2018@gmail.com
☎ ۴۳۲۶۲۱۰۰ (۹۸ ۳۴)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Intellectual stylistics of Attar's quatrains in Mokhtarnameh

H. Akbarizadeh, N. Esfahani Omran*, H. Tabasi

Department of Persian Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۲۲ January ۲۰۲۱
Reviewed: ۲۴ February ۲۰۲۱
Revised: ۰۷ March ۲۰۲۱
Accepted: ۲۵ April ۲۰۲۱

KEYWORDS

Attar, quatrains, stylistics,
philosophical themes,
Mokhtarnameh, mysticism.

*Corresponding Author

✉ Dr.esfahaniomran2018@gmail.com

☎ (+۹۸ ۳۴) ۴۳۶۲۱۰۰

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The form and content of any literary text have a direct effect on each other, so that they can not be separated. Depending on the point of view of the author or poet, the form or content can overcome the other and change the meanings of the text. Attar Mokhtarnameh is one of the texts that has many contents despite the common form and format of the quatrain. Understanding these various contents requires classification and stylistic view, in order to achieve the content and semantic style of these quatrains by analyzing them. Accordingly, in this article, an attempt has been made to analyze the contents of this work in the quatrains with a stylistic approach and considering the content of the quatrains of the mandate. In this research, the themes of Attar's quatrains have been extracted and analyzed.

METHODOLOGY: The research method in this study is to analyze information based on qualitative research with a stylistic, descriptive and analytical approach. The purpose of examining the themes is to deal with meaningful and repetitive themes of a concept that organizes both the content of the literary text and the form and aesthetics of the work.

FINDINGS: Attar's quatrains can be superior to other quatrains's poems in various ways, including pure moral and mystical concepts that will never lose their novelty.

CONCLUSION: Mystical, didactic, philosophical, Khayyami and romantic themes are the most important themes of this work which include themes such as monotheism, astonishment, self-cultivation, death and discredit of the world, Qalandariat and divine love.

DOI: [۱۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۷۲.۱](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.15.72.1)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 9	 .	 .

مقدمه

سبک شعری یعنی مجموعه کلمه‌ها، لغتها، مضامین ادبی و قرار گرفتن ترتیب آنها از نظرگاه قواعد زبان و ادب فارسی. سبک مفاد معنی هر کلمه در اندیشه شاعر و طرز تخیل و بکار بردن آن تخیلات از جنبه حالات فکری شاعر می‌باشد که به وضعیت دوره زندگی، عقاید درونی، دینی، فرهنگی و ادبی او بستگی دارد. سبک‌شناسی روشی است که مضامین زبانی، ادبی و فکری یک شاعر یا نویسنده را مشخص کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. آنچه به صورت غالب متن ادبی را از غیرادبی متمایز میکند، فرم و زبان است، اما نوع محتوای متن نیز می‌تواند هم بنیانهای اندیشگانی مؤلف و تجربه زیسته او را به نمایش بگذارد و هم فرم و قالب متن را دچار تغییرات و ساماندهی کند که در القای محتوا، تأثیری مضاعف داشته باشد. مسلماً شرایط فکری و سیاسی حاکم بر یک دوره می‌تواند هم فرم و هم محتوای متن را تحت تأثیر قرار دهد، بر این اساس فرم و محتوا، می‌توانند تابعی از کاربرد شرایط فرهنگی دوران خود باشند.

در تشریح سبک‌شناسی مضامین یک شاعر باید بگوییم که این نوع سبک‌شناسی تمام شالوده شعری و اندیشه یک شاعر را بروز می‌دهد و در این بین شاعر با تشخیص‌های شعری و مضامین ویژه‌ای که در شعر خود بکار برده است به نوعی به سبک خاص خود میرسد و از دیگر شاعران متمایز میشود. سبک‌شناسی مضامین، اسلوبی ارزشمند برای شناخت هویت فردی، عقیدتی، ادبی، فرهنگی و ایدئولوژیک یک نویسنده یا شاعر است و با این معیار سنجش می‌توان وجوه فکری و اندیشگانی هر شاعری را مشخص کرده و به تجزیه و تحلیل آن پرداخت. مسلماً انتخاب معانی و محتواهای گوناگون در رباعیات مختارنامه با کارکردهای زبانی این متن در ارتباط است؛ چراکه انتخاب قالب رباعی به دلیل اختصار و ایجاز زبانی‌ای که دارد، مخاطب را بیشتر با معنی درگیر میکند و تأثیرگذاری مضاعفتری دارد؛ بر همین اساس توجه به سبک‌شناسی فکری این رباعیات بهتر می‌تواند ارزش فرمی و محتوایی مختارنامه را نمایان کند.

مختارنامه مجموعه‌ای جامع از رباعیات عطار با ۵۰ باب و ۲۳۰۰ رباعی است که بصورت کلی شامل درونمایه‌های عرفانی، تعلیمی، اخلاقی، فلسفی، خیامی و عاشقانه، با مضامین مختلفی همچون توحیدگرایی، تمجید بزرگان دینی از جمله پیامبر اکرم (ص)، عرفان، تزکیه نفس، مرگ، بی‌اعتباری دنیا، قلندریات و عشق الهی سروده شده‌اند. وجود مضامین عرفانی، قلندری و عاشقانه ناب در این اثر ارزشمند نکته حائز اهمیت است که باید توجه خاصی به آن داشت و در این تحقیق به تفسیر این موارد پرداخته شده است. ابراز تجربه‌های عرفانی و اخلاقی، در این رباعیات به حدی متنوع است که در صدها باب هم قابل تجزیه و تقسیم‌بندی می‌باشد. آنچه در رباعیات مختارنامه برای هر محقق و خواننده‌ای سودمند و ارزشمند است، بیان نکات اخلاقی و معنوی است که می‌توان از آن بهره‌های فراوانی گرفت و در تحقیق‌های علمی و دینی آنها را بکار برد. عطار لحظه‌ها و تجربه‌های روحی خود را در این اثر بیشتر و متنوع‌تر از دیگر آثارش نمایان کرده است، ازاینرو سبک‌شناسی مضامین این اثر گامی مهم در شناخت منظومه فکری عطار است و این مقاله توانسته این مضامین را در مختارنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

سابقه پژوهش

در باب رباعیات مختارنامه عطار کارهای تحقیقی محدودی همچون «رباعی‌روایی در مختارنامه عطار نیشابوری» از مؤمنی و شکوفگی، «مضامین تعلیمی متأثر از عرفان در مختارنامه عطار» از خراسانی و محقق انجام شده است، ولی در رابطه با سبک‌شناسی رباعیات عطار تا کنون هیچ کار تحقیقی انجام نگرفته است.

روش مطالعه

روش تحقیق در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات مبتنی بر پژوهشهای کیفی با رویکرد سبک‌شناسی، توصیفی و تحلیلی است. منظور از بررسی مضامین، پرداختن به درونمایه‌های معنامند و تکرار شونده مفهومی است که هم محتوای متن ادبی را سامان می‌دهد و هم فرم و زیباشناسی اثر را نمایان میکند.

بحث و بررسی

سبک‌شناسی فکری رباعیات عطار

معنا و فکر موجود در رباعیات مختارنامه امری قصدی است، بدین صورت که قصد و نیت عطار کاملاً در شکل‌گیری محتوای آن تأثیرگذار است؛ چراکه با نگاهی مقایسه‌ای به سایر منظومه‌ها و آثار منثور عطار میتوان همین معانی و افکار را در آنها جست و بازیابی کرد. مضامین رباعیات عطار در مختارنامه شامل مضامین توحیدی، عرفانی، اخلاقی، اندیشه‌های خیامی، فلسفی، مرگ، بی‌اعتباری دنیا، حیرت‌اندیشی، قلندریات و عشق الهی است. رباعیات عطار را میتوان از جهات مختلف بر اشعار رباعی‌سرایان دیگر برتری داد، از جمله: مفاهیم ناب اخلاقی و عرفانی که هیچ زمان تازگی خود را ازدست نخواهند داد. «تمام حالاتی که بر یک عارف آگاه و سالک راه‌بین میگذرد، در این رباعیها جلوه‌گر شده است. اضطراب عارف، شوق او، تحیر او، و بسیاری از حالات که کلمه‌ای خاص برای آن نمیتوان یافت؛ اینها همه مضامینی هستند که در این رباعیات میتوان دید» (مقدمه مختارنامه، شفیع کدکنی: ص ۱۳). در این پژوهش به بررسی ارزشمندترین مضامین سبک‌شناسی فکری رباعیات عطار در مختارنامه پرداخته شده است که بدین شرح میباشد: درونمایه‌های عرفانی، فلسفی، اخلاقی، خیامی و عاشقانه.

درونمایه‌های عرفانی

منظور از درونمایه در اصطلاح سبک‌شناسی، مضمون، تم یا فکر اصلی مسلط در هر متن است؛ یعنی آن اندیشه حاکمی که کلیت متن را تحت تأثیر قرار داده است. صرفاً تکرار یک موضوع نمیتواند بعنوان درونمایه سبکی محسوب شود، بلکه اگر این تکرار، ساحات فرمی و معنایی متن را تغییر دهد میتواند گفت که درونمایه شکل گرفته است. بر این اساس درباره رباعیات عطار در مختارنامه مضامینی بعنوان درونمایه سبکی در نظر گرفته شده است که ضمن تکرار معنادار، کلیت اندیشگانی نویسنده را نیز نشان میدهد که یکی از این درونمایه‌ها، مضامین عرفانی است.

بارزترین وجه رباعیات عطار همین درونمایه‌های عرفانی است که باعث شهرت خود عطار و خصوصاً مختارنامه وی شده است. رباعیات عرفانی عطار بسیار پرمغز و دارای عناوین بسیار نابی است که برای هر محقق دینی و ادبی تازگی و زیبایی خاصی دارد. بارزترین مضامین درونمایه‌های عرفانی در رباعیات مختارنامه عطار بدین شرح میباشد.

توحیدگرایی (خداوند، همه‌کاره عالم، قادر توانا و قابل ستایش است).

عطار این عنوان را در باب اول، چهارم و پنجم بصورت مفصل و با شرح صفات خداوند رحمان ابراز کرده و ۱۱۱ رباعی را در این باب سروده است. عطار در رباعیات توحیدی که سروده، خدا را همه‌کاره و ناظر بر عالم هستی میداند و تأکید میکند در برابر قدرت لایزال خداوندی همه موجودات ضعیف بوده و باید او را عبادت و ستایش کنند. ای پاکی تو منزّه از هر پاکی قدوسی تو، مقدس از ادراکی

در راه تو، صد هزار عالم، گردی	در کوی تو، صد هزار آدم، خاکی
(مختارنامه: ص ۷۵)	
ای هشت بهشت، یک نثار در تو	وی هفت سپهر، پرده‌دار در تو
رخ زرد و کبود جامه، خورشید منیر	سرگشته ذره غبار در تو
(همانجا)	

«در باب توحید از نظرگاه عطار، تمام ذرات عالم را، با خالق راز است و همه تسبیح‌گوی اویند، چه کل هستی و وجود ظلّ حضرت اویند و آثار صنع و قدرت او در جهان پر شده است. همه معنی اوست، او همه گنج است و عالم همه طلسم او، او همه بقاست و عالم همه فنا» (مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار، صارمی: ص ۱۴۲).

«در این وادی، حضرت حق در تمام افعال و صفات و ذات بر رهرو تجلی میکند، از اینرو رهرو جز او را نمیبیند. اگر رهرو همه افعال و اشیا را فانی در افعال حق ببیند و غیر او را مؤثر نداند، در مقام محو قرار میگیرد و وظیفه رهرو در این مرحله پالایش درون از صفات پست و برگزیدن موت اختیاری، جهت رسیدن به مقام توحید است» (انسان کامل در نگاه عطار، حجازی: ص ۷۲).

نعت سید المرسلین صلی الله علیه و آله وسلم و صحابه

باب دوم مختارنامه شامل اکرام و بیان منزلت وجود پیامبر اکرم (ص) و صحابه ایشان میباشد که حدود ۱۹ رباعی در این باب سروده شده است. از نظر عطار یکی از نشانه‌های پاکی نفس یک سالک و یا یک انسان معمولی، شور و اشتیاق و محبت نشان دادن به وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) میباشد که با خواندن رباعیات موجود در این باب، این نکته حاصل میشود. عطار احترام ویژه‌ای برای ساحت پیامبر اکرم (ص) قائل شده و ایشان را الگویی بینظیر برای تمام انسانهای آزاده و سالکان راه حق معرفی کرده و از ایشان هم طلب یاری و رحمت داشته است.

هم رحمت عالمی ز ما ارسلناک	هم مایه آفرینشی از لولاک
حق کرده نداد به جانت ای گوهر پاک	لولاک لنا لما خلقت الافلاک
(مختارنامه: ص ۸۷)	

فنا شدن در ذات حق (تفرید)

فنا شدن در ذات خداوند و پاکی نفس یکی از مباحث تکراری در مختارنامه میباشد که در بابهای پنجم، ششم و هفتم آمده و عطار بصورت تجربی و عملی آن را درک کرده و در رباعیات خود آورده است. از نظر عطار اگر انسان بخواهد نفس خود را پاک کند و در دنیا و آخرت وارسته شود، باید مسئله تفرید را در تمام لحظات زندگی خود بکار ببرد.

چون ما به وجود خود هویدا باشیم	برتر ز نهان و آشکارا باشیم
تو هیچ نه‌یی ولیک میپنداری	تو هیچ مباش تا ما همه باشیم
(همان: ص ۱۰۲)	

«تفرید، فرد رفتن از دو عالم و ترک هستی و تعلقات است و عطار وادی توحید را منزل تفرید و تجرید میداند. از نظر عطار حقیقت تفرید یگانه کردن همت است و اقسام تفرید سه گونه باشد، یکی در ذکر، یکی در سماع، دیگری در نظر» (مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار، صارمی: ص ۱۲۱).

فناى نفس و پذیرفتن تقدیر الهی

یکی از مباحث کلیدی عرفانی در مختارنامه مسئله فناى نفس و قرار گرفتن در معرض مقدرات الهی میباشد که عطار این مبحث را در باب هشتم و در قالب ۵۹ رباعی بیان کرده است. از دیدگاه عطار نفس سرکش و طغیانگر باید به سرحدّ خوار شدن برسد، تا ذره‌ای از محبت دنیا و زرق و برق آن در وجود سالک راه حق نماند و خدا را ناظر خود بداند. از نظر عطار نفس سالک باید هر لحظه در پی رضایت خداوند باشد و بقای خود را منوط به ندیدن خود و دیدن خدا بداند. در دیدگاه عطار وجود تقدیرات الهی ربطی به دخل و تصرف در اراده انسان و سلب آزادی و اختیار انسان ندارد:

هر چیز که آن برای ما خواهد بود	آن چیز یقین بالای ما خواهد بود
چون تفرقه در بقای ما خواهد بود	جمعیت ما فناى ما خواهد بود
(مختارنامه: ص ۱۲۱)	
گر می‌خواهی که بازیابی این راز	بیخود شو و با بیخودی خویش بساز
چون بیخودیست اصل هر چیز کسه هست	تو کی یابی چو در خودی جویی باز
(همان: ص ۱۲۳)	

چنگ زدن به رحمت خدا

یکی از معنویت‌ترین مباحث ارزشمند عرفانی در مختارنامه لزوم توجه همه انسانها به رحمت و فضل خداوند مهربان و کریم است، که عطار این مضمون را در اکثر بابها عرضه کرده است. بیان زیباییهای فضل و رحمت خداوند عالم در رباعیات مختارنامه نقطه عطف و امیدی است که عطار با آوردن آن ذوق و شوقی بی‌بدیل در دل خواننده رباعیات پدید می‌آورد. در نظر عطار اگر انسانها معتقد به نگاه رحمت خداوند در تمام شئون زندگی و نیازهای مادی و معنوی خود باشند، غیرممکن است که ذره‌ای غم و ناشکیبایی در درونشان باقی بماند.

چون عفو تو میتوان مسلم کردن	تا کی ز غم گناه ماتم کردن
دانی که تمام است ز بحر کرم	یک قطره نثار هر دو عالم کردن
(همان: ص ۸۳)	
یک ذره هدایت تو میباشد و بس	یک لحظه حمایت تو میباشد و بس
تردانی این همه سرگردان را	باران عنایت تو میباشد و بس
(همانجا)	

این درونمایه‌های عرفانی موجود در رباعیات فقط نشان‌دهنده مضامین فکری عطار نیست، بلکه ماهیت زبانی متن را نیز تغییر داده است. بدین صورت که تکرار این درونمایه در مختارنامه باعث انسجام زبانی نیز شده است، یعنی نوعی وحدت در سطح کلمات و زبان. در واقع درونمایه‌های عرفانی باعث شکل‌گیری کلمات و لغاتی تکراری شده است و نوعی تناسب واژگانی را نیز رقم زده است. در توضیح این انسجام و تکرار زبانی باید گفت که عطار در مختارنامه بیش از ۲۵ باب را به مفاهیم عرفانی اختصاص داده است و حتی ابواب دیگر که مضامینی عاشقانه و غنایی دارند در راستای همین مباحث عرفانی نگاشته شده‌اند. تکرار زبانی لغاتی همچون توحید، تفرید، فانی، بقا، حیرت، روح، غیب، نفس، عزلت، خاموشی و کلماتی از این دست، حاکی از سبک زبانی ویژه عطار است. درحقیقت در مختارنامه عطار، گفتمان عرفان همچون نظامی سازمان‌دهنده عمل میکند که اجازه ورود واژگان غیرعرفانی را به ساختار رباعیات نمیدهد و همین امر به سبک زبانی عطار در مختارنامه تشخص و تمایز خاصی میبخشد. مثلاً

در باب سی‌وپنجم، که به صفت روی و زلف معشوق اختصاص دارد، اگرچه خواننده انتظار نوعی عشق مجازی را دارد، جهان‌بینی عرفانی عطار و ذهنیت وی، که ناشی از تحکّم گفتمان عرفان است، بلافاصله کلمات غنایی این باب را از بعد زمینی خود فراتر میبرد و به آنها دلالت‌های زبانی و معنایی مرتبط با حوزه عرفان میبخشد؛ مثلاً در این رباعی:

در کوی تو آفتاب منزل بگرفت وز روی تو یک ذره کامل بگرفت
از پرتو روی تست گیتی روشن از بدعت خورشید مرا دل بگرفت

شاید بتوان در نگاهی اغراق‌آمیز معشوقی زمینی را به آفتاب روشن‌کننده گیتی تشبیه کرد، اما وقتی همین کلمات، بویژه آفتاب و ذره در نگاهی سبک‌شناسی و مقایسه‌ای با دیگر آثار عطار همچون *منطق‌الطیر* و *مصیبت‌نامه* و *اللهی‌نامه* تطبیق داده شود، مشخص میشود که این کلمات در منظومه فکری عطار بیانگر مبحث تجلی خداوند هستند، نه بزرگنمایی معشوقی زمینی. دیگر رباعیات موجود در این باب و ابوابی که به ظاهر معنایی غیرعرفانی دارند، نیز همین فرایند را طی میکنند. پس میتوان گفت جهان‌بینی فکری عطار، ماهیت زبانی و معنایی کلمات را متناسب با مضامین عرفانی تغییر میدهد و همین تکرار کلماتی که در سنت عرفانی جایگاه معنایندی دارند، در رباعیات عطار شاخصه زبانی و سبکی محسوب میشوند. جهت تقویت این بحث میتوان ابواب دیگر مختارنامه را نیز بررسی کرد، مثلاً باب چهل‌وهشتم که به شمع اختصاص دارد. در ادبیات فارسی شمع از جمله درونمایه‌ها و اجزای ژانر غنایی و عاشقانه است، مثلاً با نگاهی به غزلیات سعدی، بخوبی میتوان مضامین عاشقانه مرتبط با شمع را ملاحظه کرد. همین شمع وقتی در بافت فکری و گفتمان عرفانی عطار قرار میگیرد، بلافاصله با واژگان و قرینه‌های زبانی بیان میشود که رنگ‌وبوی عرفانی پیدا میکند، مثلاً رباعی دوم باب چهل‌وهشتم:

شمع آمد و گفت موسی جمع منم و اینک بنگر چو طشت آتش لگنم
همچون موسی ز مادر افتاده جدا و آنکه بمانده آتشی در دهنم
(همان: ص ۳۲۵)

کلمات موسی، آتش و تشبیه شمع به آنها از مضامین تازه‌ای است که براساس بنیانهای تلمیحی یک روایت دینی و مذهبی شکل گرفته است و در ادبیات عاشقانه تازگی دارد. پس حتی شمع وقتی در منظومه فکری عطار در مختارنامه قرار میگیرد، رنگ‌وبویی عرفانی میگیرد؛ فرایندی که مدام در رباعیات عطار از نظر واژگانی و معنایی تکرار میشود و تبدیل به شاخصه سبکی و زبانی وی میگردد.

پذیرش حق و همه از او دیدن

این نگرش عطار در باب بیست‌ویکم با سروده شدن ۳۱ رباعی آورده شده است. پذیرش حق و خدا را همه‌کاره عالم دانستن امری کاملاً عقلانی و منطقی است. از نظر عطار بشریت بحدی رسیده است که عظمت خدا و وجود خالق بیهمتا را پذیرا شده است و چنین خدایی همه امورات جهان را بدست دارد و اگر او بخواهد، میتواند ما را به کمالات و صفات خودش نزدیک کرده و حتی دنیا را کن فیکون کند. با توجه به چنین نگرشی عطار به همه انسانهای آزاده و جویندگان راه حق و حقیقت پیشنهاد میدهد تمام اعمال خود را پاک و پاکیزه کنید و دست از گناهان و معاصی بشوئید، تا خدای قادر و صاحب دنیا و عقبی به بهترین وجهی شما را هدایت کرده و خلیفه خود در روی زمین قرار دهد.

از خود نتوان راه معانی کردن یک قطره‌ای و هزار بحرت در پیش	آهنگ به ملک جاودانی کردن آخر چه کنی یا چه توانی کردن (همان: ص ۱۸۰)
جان محرم درگاه همی باید برد از خویش بدو راه نیابی هرگز	دل پر غم و پر آه همی باید برد هم زو سوی او راه همی باید برد (همانجا)

امیدواری به خداوند رحمان

از مباحث بی‌نظیر عرفانی در رباعیات مختارنامه مبحث امید و امیدواری به نگاه خداوند رحمان است که عطار این مضمون زیبا را در باب بیست‌وهشتم و در قالب ۱۶ رباعی سروده است. عطار به همه انسانهای حقیقت‌جو و حتی انسانهای عادی چنین عرض میکند که هیچگاه از درگاه خدا و حتی روزگار ناامید نشوند و در راه پرفرازونشیب زندگی و سیر الی الله سختیهای پیش‌آمده را تحمل کرده و پشت سر بگذارند. از دیدگاه عطار یکی از بزرگترین القائات و ترفندهای شیطان برای از راه بدر بردن انسانها از راه حق، همین دادن حس ناامیدی در فکر و وجود آنها میباشد؛ تا جایی که راه خود را به سمتش کج کرده و به او متوسل و امیدوار شوند. عطار در این رباعیات به ما نوید میدهد که اعتماد و امید به خداوند رحمان انسان را از همه تعلقات دنیوی رهانیده و عاقبت‌بخیر میکند.

هرچند نیم در ره او بر کاری در پرده چو زیر چنگ مینالم زار	نومید نیم به هیچ وجهی باری کاری بکند زاری من یک باری (همان: ص ۲۱۴)
جانا نظری در دل درویشم کن این میدانم که خاک میباید شد	یا چاره جان چاره‌اندیشم کن گر خاک کنی خاک ره خویشم کن (همان: ص ۲۱۵)

درونمایه‌های فلسفی

مضامین فلسفی در رباعیات مختارنامه عطار، نمود خاصی دارد و زیبایی این اثر را دوچندان کرده است. مضامین فلسفی که عطار در مختارنامه بکار برده است شامل عناوینی چون حیرت، بی‌اعتباری دنیا و مرگ، میباشد.

حیرت

حیرت یکی از عناوین برجسته در رباعیات فلسفی مختارنامه میباشد که عطار در بابهای نهم، دهم و یازدهم بطور مفصل به این مبحث پرداخته است. معنای حیرت در رباعیات مختارنامه و دیگر رباعیات ایشان معنایی متفاوت با حیرت در رباعیات شاعران فلسفی دارد. در رباعیات عطار منظور از حیرت این است که سالک راه حق درمانده و حیران است که چگونه به انوار الهی دست پیدا کند و همچنین در برابر عظمت کبریایی خدا دچار بهت و حیرت میشود، ولی شاعری همچون خیام و هم‌کیشانش در چگونگی پیدایش خلقت زمین و آسمانها دچار شک و حیرت هستند.

بر بوی یقین درین بیابان رفتیم عمری شب و روز در تفکر بودیم	وز عالم تن به عالم جان رفتیم سرگشته درآمدیم و حیران رفتیم (همان: ص ۴۲۴)
--	---

حیرت در باب شناخت عالم غیب و روح

یکی از حیرت‌های بزرگ عطار پی بردن به اسرار عالم غیب و شهود و شناختن روح انسانها میباشد. عطار در باب دهم و یازدهم با سرودن ۱۴۰ رباعی به این موضوع مهم پرداخته و در خود ابیات جوابهایی را به سؤالات مطرح‌شده داده است. از دیدگاه عطار این نوع حیرت و سرشکستگی برای کسانی پیش می‌آید که در وادی عرفان و راه حق طی طریق کرده‌اند و آلا افراد معمولی و عوام در این حیرتها قرار نمیگیرند.

هم عقل درین واقعه مضطر افتاد هم روح ز دست رفت و بر سر افتاد
گفتم که گشایم این گره در سی سال بود آن گره و هزار دیگر افتاد
(همان: ص ۵۰۵)

«وی با تمام عشق خود گام در راه سیروس‌لوک و نیل به معرفت مینهد، ولی هرگز راه به سرمنزل مقصود نمیرسد و به کشف و شهود نائل نمیشود. حیرت و حسرت از ابیات و افکارش میتراود. در مصیبت‌نامه، منطق‌الطیر، اسرارنامه، الهی‌نامه و مختارنامه به شکلی، این سرگشتگی را نشان میدهد» (صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: ص ۲۴۵).

بی‌اعتباری دنیا و مرگ

یاد مرگ و بی‌اعتباری دنیا شالوده اصلی فکر و اندیشه عطار بوده است. مباحث دنیوی و ذم آن در بابهای چهاردهم، بیست و دوم، بیست و سوم، و بیست و چهارم آورده شده است. مضمون دنیا و عناوین مرتبط با آن و یاد مرگ با نگاه ویژه‌ای در رباعیات مختارنامه عطار بکار رفته است. عطار با نگاه عارفانه خود دنیا را جایگاهی بسیار پست و ذلیل برشمرده و از همه انسانهای خداجو و سالکان راه حق میخواهد به دنیا و ظواهر آن توجه نکنند والا در آلودگیهای نفسانی و شهوانی گرفتار خواهند شد.

تا کی ز جهان رنج و ستم باید دید تا چند خیال بیش و کم باید دید
حقا که به هیچ مینیرزد همه کون از هیچ چرا این همه غم باید دید
(مختارنامه: ص ۶۰۱)

ای دل ای دل غم جهان چند خوری و اندوه به لب آمده جان چند خوری
در گوشه گلخنی که پر خوک و سگند این لقمه که آتش به از آن چند خوری
(همان: ص ۶۱۲)

«درنگ بر کاربردهای واژه مرگ و مترادفهای آن در آثار عطار نشان میدهد که وی به مرگ، بینشی چندجانبه دارد. با عنایت به مرگ تن است که عطار دائم، توجه نوع بشر را بسمت گورستان جلب میکند؛ طوریکه حتی دیوانگان، عطار را بیشتر در گورستان مشاهده میکنند» (نیایش فیلسوف، ابراهیمی دینانی: ص ۳۷۳).

درونمایه‌های تعلیمی و اخلاقی

ارزشمندترین قسمت رباعیات مختارنامه، بیان مضامین تعلیمی و اخلاقی میباشد؛ چونکه عطار با بیان این مفاهیم ارزشمند اخلاقی و نکات ادبی، راهی روشن و آموزه‌هایی بینظیر و آماده در اختیار جویندگان راه حق و حقیقت و سالکان درگاه احدیت و همچنین پژوهندگان علوم دینی و عرفانی قرار داده است. نکات تعلیمی و اخلاقی مختارنامه در بابهای دوازدهم، پانزدهم، شانزدهم، هفدهم، هجدهم و نوزدهم و باب بیستم بیان گردیده است.

شکایت از نفس و ذمّ خویش

شکایتهای عطار از نفس خود و سرزنش آن و توصیه به این نگرش از عناوینی کلیدی رباعیات مختارنامه میباشد و ایشان در باب دوازدهم با سرودن ۳۲ رباعی این مضمون را تشریح کرده است. عطار در شکایت از نفس خود به سالکان راه حق و همه انسانهای حقیقت‌جو این نکته را یاد آور میشود، که همیشه به دنبال تزکیه نفس خود بوده و هیچگاه از نفس خود راضی نباشند. از دیدگاه عطار با سرزنش نفس در برابر گناهان و لذتهای دنیوی، کمالات انسانی طی میشود و انسان به آرامش حقیقی در دنیا و آخرت نائل میشود. به نظر عطار پرداختن به عیوب دیگران باعث ایجاد فاصله از انوار الهی و افتادن در راه و دام شیطان میشود.

دل را نه دنیا و نه دین میبینم	با نفس پلید همنشین میبینم
چون شیری شد مویم و در بن هر موی	صد شیر و پلنگ در کمین میبینم
	(همان: ص ۵۵۲)
از کس چو سخن نمیپذیری آخر	آگه نشوی تا بنمیری آخر
چندان بدوی از پی شهوت که مپرس	یک گام به صدق برنگیری آخر
	(همان: ص ۵۶۱)

نیازمندی به ملاقات با همدمی محرم

یکی از ارشادات عطار در باب پانزدهم نیازمندی به ملاقات با همدمی محرم میباشد که با سرودن ۲۰ بیت رباعی آن را تشریح کرده است. ارشاد و سفارش عطار در این باب به همه انسانها و من جمله سالکان راه حق این هست که در طول زندگی خود باید مرشد و راهنما انتخاب کنند تا در رسیدن به هدف و مقصد خود به بیراهه نروند و راه را از چاه تشخیص دهند و همچنین در مواقعی که به بیراهه میروند پیر یا مرشد بتواند او را راهنمایی و دستگیری کند.

چندان که به درد عشق میپویم من	در دردم و درد عشق میجویم من
کو سوخته‌ای که جان او میسوزد	تا بو که بداند که چه میگویم من
	(همان: ص ۶۳۶)

عزلت و اندوه و درد و صبر گزیدن

از مضامین ناب عرفانی در مختارنامه میحث عزلت و صبر است، که عطار این مضمون را در باب شانزدهم و با سرودن ۲۱ بیت رباعی به رشته تحریر درآورده است. عقیده عطار در این باب این است که یک انسان حقیقت‌جو یا یک سالک راه حق باید برای رسیدن به کمالات نفسانی، خود را در معرض هر نوع بلا و سختی قرار دهد و در این راه صبر فراوان و طاقتی عظیم داشته باشد و آلا به سعادت و حقیقت دست پیدا نمیکند و در نیمه راه از پا درمی‌آید.

تا کی باشی چو آسمان در تک‌وتاز	در زیر قدم شو چو زمین پست نیاز
گر صبر کنی کند کار تو راست	ورنه پس و پیش می دو و کژ میاز
	(همان: ص ۶۶۸)

«در بینش عطار صبر در سیر الی الله، نقش اساسی و بنیادی دارد، زیرا استقامت و صبر درمقابل رنجها و سختیهای مبارزه و جهاد با نفس رموزراز موفقیت در طلب و رسیدن به مطلوب است. پایه و اساس تصوف عطار بر فقر و صبر بر آن قرار دارد. عطار معتقد است صبر در فقر موجب میشود هستی عارف در هستی نامحدود حق محو و فانی شود و ذات و صفات حق از جمله استغنا و بی‌نیازی او در وجودش پدیدار شود» (بازتاب مفهوم قرآنی صبر در آثار عطار نیشابوری، دستجردی: ص ۹۹).

خاصیت خاموشی گزیدن

عطار این مضمون تعلیمی و اخلاقی را در باب هفدهم و در قالب ۲۴ بیت رباعی سروده است. جدا از کلام عطار خاموش بودن یکی از سفارشات موکد اهل بیت (ع) و بزرگان دینی ماست که توصیه فراوانی بر آن شده است. عطار هم بنا به سفارشات بزرگان دینی و عالمانی که او را تعلیم داده‌اند، این امر مهم را سرلوحه کار خود قرار داده و تأکید زیادی روی آن دارد. از نظر عطار خاموشی یکی از حکمت‌های بزرگ الهی است که اگر سالک در آغاز راه خود را به آن عادت بدهد خیلی زودتر به مقصد میرسد و نیمه راه را سپری کرده است.

گر بحر نه‌ای ز جوش بنشین آخر	بی مشغله و خروش بنشین آخر
گر نام و نشان خویش گویی برگو	ور وقت آمد خموش بنشین آخر

(مختارنامه: ص ۶۷۸)

«در نظر عطار غایت عرفان، یکی شدن با هستی مطلق و درک حضور است؛ اهل تحقیق برای چشیدن طعم این حضور معنوی، ریاضتهایی برشمرده‌اند که «خاموشی» از جمله آنهاست و نه تنها در مبادی سلوک، که بیشتر در آن جنبه تربیتی مراد است، که در وصال نیز سالک خود را ملزم به سکوتی میکند که حاصل اندیشه تیزنگر صوفیانه در تجربه‌های عرفانی است» (نقد و تحلیل مفهوم سکوت عارفانه از دیدگاه عطار، قاسمی و ماحوزی: ص ۲).

همت بلند داشتن

عطار این مضمون را در باب هجدهم با سرودن ۵۰ بیت رباعی به رشته نظم درآورده است. در دیدگاه عطار بلند همتی بزرگترین خصلت مردان خداست و در راه رسیدن به مقامات عالی عرفانی واجب‌ترین امر، داشتن اراده‌ای قوی و همت بلند میباشد. اگر سالک راه حق و انسانهای کمال‌طلب در این طریق تنبلی و سستی به خود راه دهند در همان اول راه به زمین میخورند و به بیراهه میروند.

در راه طلب مرد بهمت باید	یک یک جزوش نقطه حکمت باید
ور روی نمایدش جمالی که می‌رس	چشمش به ادب دلش به حرمت باید

(همان: ص ۶۹۳)

دوری گزیدن از تفرقه و جمعیت بستن

از دیگر مواردی که عطار در راه طریق سلوک الی الله برای سالکان راه حق سفارش کرده است، دوری گزیدن از تفرقه میباشد. این مضمون در باب نوزدهم در قالب ۲۴ رباعی سروده شده است. منظور عطار از ترک تفرقه این است که انسانها با دوری از اجتماع و افراد نمیتوانند به جایی برسند، زیرا در راه رسیدن به مراحل عرفانی و گذران امورات زندگی نیازهایی دارند که در تنهایی برآورده نمیشود.

هرچند که بیرون و درون خواهی دید مشتی رگ و استخوان و خون خواهی دید
هر روز هزار پرده بر خویش تنی با این همه پرده راه چون خواهی دید
(همان: ص ۷۴۹)

یکرنگی گزیدن

عطار در باب بیستم مضمون یکرنگی، را در قالب ۲۹ رباعی سروده است. در دیدگاه عطار صفت یکرنگی از صفات بزرگ مردان خداست که باعث میشود انسان و یا سالک زودتر به اخلاص و صداقت دست پیدا کند، و آلا با نیرنگ و بی‌صداقتی به هیچ مرحله‌ای از انسانیت و کمالات الهی دست پیدا نم‌کند. عطار انسانهای ریاکار و بی‌صداقت را نکوهش کرده و دورویی را برابر با کفر دانسته است. وی در مورد یکرنگی چنین ابراز میدارد که انسان گنهکار از مؤمن ظاهرنامایی که نیمی از کارهایش در ظاهر عابدانه و نیمی از اعمالش شیطانی و در خفا انجام شود، بهتر است. عطار همچنین در این رباعیات از منافقانی نام برده که هیچ بویی از دین و دیانت نبرده‌اند و خدای متعال از درون و سر آنها آگاه می‌باشد و در نهایت این انسانهای منافق رسوای خلق و جهان میشوند.

ای در ره دین و کار کفر آمده سست نه مؤمن اصلی و نه کافر بدرست
بر روی و ریا طاعت تو معصیت است یا مفسد فاش باش یا زاهد رست
(همان: ص ۷۸۷)

درونمایه‌های خیامی

تعدادی از رباعیات عطار با رویکرد خیامی سروده شده‌اند. در مختارنامه مبحث قلندریات و خمریات، که از مضامین مشترک این دو شاعر می‌باشد، در باب چهل و چهارم در قالب ۷۷ رباعی سروده شده‌اند.

قلندریات

نوع ویژه‌ای از رباعیات عطار نیشابوری هستند که به شیوه‌ای متفاوت، دیدگاه عرفانی او را در جهت القای اندیشه‌های ملامتی‌اش مطرح کرده‌اند؛ به عبارت دیگر، غزلهای ملامتی و قلندری عطار، این امکان را برای ما فراهم کرده که سبک فکری ایشان را در زمینه انتقادات اجتماعی و نکوهش زاهدان ریاکار و ظالم دریابیم. سبک فکری عطار در رباعیات قلندری مختارنامه، بر پایه اندیشه ملامتی و با بهره‌گیری از عناوین قلندری که فراکنی و تغییر رویه است، استوار می‌باشد:

تا چند ز زاهد ریایی آخر دردی درکش که مرد مایی آخر
مرا جگر از زهد ریایی خون شد ای رند قلندری کجایی آخر
(همان: شماره ۱۶۷۲)

«از دیدگاه اجتماعی، هدف عطار از بکاگیری اندیشه‌های قلندری در واقع فریاد بیزاری و دلزدگی از ریازدگی عصر خود و جو دینی حاکم بر جامعه زمانه وی است، که با نگاهی منتقدانه به آن نگریسته شده است. از این دیدگاه، زبان قلندریات، زبان اعتراض است؛ بدینسان نعره قلندرانۀ روح آزاده و طبع لطیف عطار در این نوع شعری، افزون بر اشاره به از خودی رهیدن، نوعی مبارزه با ریاکاری و زهدفروشی را نیز منعکس میکند» (بررسی قلندریات در دیوان عطار نیشابوری، طایفی و شاهسون: ص ۲۱).

گر زهد کنی سوز و گدازت ببرد عجب آورد و شوق نیازت ببرد
 زنه‌ار به گرد من مگرد ای زاهد کاین رند قلندر از نمازت ببرد
 (همان: شماره ۱۶۷۵)

اغتنام فرصت و خوش‌باشی

عطار در باب اغتنام فرصت و خوش‌باشی رباعیات متعددی در باب چهل و چهارم سروده که در این قسمت به تفسیر آن می‌پردازیم. اگر بخواهیم در باب خوش‌باشی و اغتنام فرصت عقاید عطار را مشابه خیام بدانیم و او را متهم به لالایی‌گری کنیم، جفای بسیار بزرگی درباره عطار روا داشته‌ایم؛ چراکه عطار عارفی خداترس و بااخلاص بوده که تمام عمر در پی تزکیه نفس و پرورش روح خود و اطرافیانش بوده است، ولی خیام در رباعیاتش منظوری متفاوت از عطار داشته و آن هم دعوت به خوشباشی برای لذت‌جویی مادی و دنیوی در مدت کوتاه عمر بوده است. در دیدگاه عطار اغتنام فرصت به این معناست، که باید از لحظات کوتاه عمر در راه سیروسلوک بهره ببریم و تلاش کنیم تا به سعادت ابدی و رضایت الهی دست پیدا کنیم:

می‌خور که فلک بهر هلاک من و تو قصدی دارد به جان پاک من و تو
 بر سبزه نشین که عمر بسیار نماند تا سبزه برون دمد ز خاک من و تو
 (همان: شماره ۱۶۹۷)

چون گل بشکفت ساعتی برخیزیم بر شادی می‌ز دست غم بگریزیم
 باشد که بهار دیگر ای هم‌نفسان گل میریزد ز بار و ما می‌ریزیم
 (همان: شماره ۱۶۹۸)

درونمایه‌های عاشقانه

عظیم‌ترین بخش رباعیات مختارنامه، متعلق به درونمایه‌های عاشقانه می‌باشد، که در ۱۹ باب و در قالب حدوداً هزار بیت رباعی سروده شده است. عشق واژه‌ای است که هرگز از زبان عطار نمی‌افتد. مضامین عاشقانه در اکثر قریب به اتفاق آثار عطار بکار رفته است و عطار بدون واژه عشق و عاشقی وجه شاعری و شخصیت عرفانی خود را از دست می‌دهد. درونمایه‌های عاشقانه رباعیات عطار با عناوینی همچون زلف، خط و خال، مشک، مو روی نگار، ابرو و لب معشوق که متعلق به عشق زمینی می‌باشد، بکار رفته است.

شوق به معشوق

مهم‌ترین وجه و نمود رباعیات عاشقانه عطار شوق عطار به معشوق (خداوند رحمان) می‌باشد. از نکات عمده و تکراری در بیشتر آثار عطار، ترجیح دادن تصوّف عاشقانه بر تصوّف عارفانه است. درونمایه‌های اصلی اکثر قریب به اتفاق رباعیات عطار مستقیماً با عشق و معشوق همراه شده است. عشق یکی از منازل هفتگانه سیروسلوک در مثنوی منطق‌الطیر است که در رباعیات مختارنامه هم نمود خاصی پیدا کرده است:

جسمی است هزار چشمه خون زاده درو جانی است هزار دردسر داده درو
 یک قطره خون است دل بیسرو پای صد عالم عشق برهم افتاده درو
 (همان: شماره ۱۰۹۰)

دردِ عشق

مبدأ و سرآغاز عشق از دیدگاه عطار وجود درد است، آن هم دردی که انسان عاشق را لحظه‌ای رها نکند. این درد، دردی معنوی و آسمانی است که در جابجای عالم وجود داشته و هر لحظه به سراغ انسانهای عاشق می‌آید و در بین موجودات فقط انسانها به آن آگاهی دارند. عشقی که در رباعیات مختارنامه وجود دارد، مقدمه‌ای است که حجابها و افراد خودنما را از پیش چشمش دور کند. عطار در رباعیات خود چنان عشق را به وصف میکشد، که هر خواننده‌ای به وجود دردِ وصال یار و ارادتش را به معشوق درمییابد. عشق عرفانی و عشق خالص الهی در برخی رباعیات عطار بگونه‌ای آشکار و هویدا شده است که آن را با هیچ عشق زمینی و حتی عشق خیالی هم نمیتوان مقایسه کرد.

از بس که امید و بیم میبینم من	از هر دو دلی دونیم میبینم من
چندان که به سر کار درمینگرم	استغنائی عظیم میبینم من
	(همان: شماره ۱۱۵۱)

گفتم چه کنم ز پای درمی‌آیم	زان پیش که هر روز به سر می‌آیم
گفتا چه کنی خاک در من باشی	تا هر روزی بر تو به در می‌آیم
	(همان: شماره ۱۱۵۵)

«شعر عطار، آنگونه که خودش آن را درک میکند، شعر درد، شعر جنون، و شعر بیخودی است. چیزی است که به قول خودش، عقل با آن بیگانگی دارد و بالینحال شعر حکمت است؛ حکمت دینی نه حکمت عقلی، خود او خاطرنشان میکند که تا انسان بویی از این دیوانگی نشنود، از بیگانگی که حالت دوری و مهجوری از حکمت است پاک نمیتواند گشت» (صدای بال سیمرغ، زرین‌کوب: ص ۱۱۷).

در شکر نمودن از معشوق

در نظر عطار بهترین نوع عرض ارادت عاشق به معشوق مقام شکرگزاری هست و عاشق باید دائماً در حال شکرگزاری و یادکردن معشوق باشد و آلا عشق و عاشقی معنایی ندارد. از دید عطار اگر عاشق در پی شکرگزاری از یار خود یا روشنتر بگوییم شکرگزار معبود خود نباشد، نمیتواند عشق خود را ثابت کند و مثال یک عاشق ظاهرنا می‌باشد که خیلی زود رابطه‌اش با معشوق و معبودش بهم می‌خورد.

جانم ز میان جان وفای تو کند	دل ترک دو عالم از برای تو کند
بر تارک خورشید نهد پای از قدر	هر ذره که لحظه‌ای هوای تو کند
	(همان: شماره ۱۳۳۳)

ای بی سر و بن گشته جهانی از تو	نامانده سالم دل و جانی از تو
گرچه نتوان یافت نشانی از تو	غایب نتوان بود زمانی از تو
	(همان: شماره ۱۳۴۶)

بیان صفتهای معشوق

عطار در هفت باب از رباعیات خود در مختارنامه به شرح صفات ظاهری و باطنی معشوق از قبیل (زلف، چشم، ابرو، خط، خال، لب، دهان، بلندای معشوق، ناز و بیوفایی) پرداخته است. بطور کلی میتوان گفت منظور عطار از بیان

خصوصیات ظاهری و درونی معشوق، نشان دادن عظمت و زیباییهای بینظیر معنوی او میباشد و میخواهد ارادت قلبی خود را در باب لطف و بزرگی معشوق، با بیان این صفات ابراز کند.

هر کاو رخ تو بدید حیران ماند	وز لعل لب تو لب به دهان ماند
وانکس که سر زلف پریشان تو دید	کافر باشد اگر مسلمان ماند

(همان: شماره ۱۴۴۵)

دل روی بدان زلف سرافراز آورد	با هر شکن زلف تو صد راز آورد
روزی ز سر زلف تو مویی سر تافت	سودای تواش موی‌کشان باز آورد

(همان: شماره ۱۴۵۲)

تضاد بین عقل و عشق

عطار در مبحث عشق و عاشقی جایگاهی برای عقل قائل نیست و معتقد است که فقط دل و قلب عاشق بقرار میتواند بدنبال معشوق و یار باشد، و به وصالش برسد و آن را حس کرده و به لذت معنوی و درونی برسد. از نظر عطار حتی عقل و گوش و چشم انسان هم قادر به حس کردن و دیدن معشوق نیست و باید از طریق صفای باطن به دیدار یار نائل شوند.

«تضاد میان عقل و عشق در عرفان عاشقانه، تضادی است ناگزیر، که جمع میان آن دو ممکن نیست. تحقیر عقل در این مصاف از مضامین ثابت و یک پای اصلی اندیشه ادبیات عرفانی است. عطار نیز از جمله عرفای شاعری است که به این تقابل، بسیار دل بسته و این مضمون را به صور مختلف بازسازی کرده است» (بررسی قلندریات در دیوان عطار نیشابوری، طایفی و شاهسون: ص ۱۲).

جانی که به راه رهنمون دارد رای	وز حسرت خود میان خون دارد جای
عقلی که شود به جرعه‌ای درد از دست	در معرفت خدای چون دارد پای

(همان: شماره ۱۰۵۳)

در بادیه‌ای که عقل را راهی نیست	گر کوه درو سیر کند کاهی نیست
گر هیچ رونده‌ای طلب خواهی کرد	شایسته این بادیه جز آهی نیست

(همان: شماره ۱۰۵۶)

تشبیه کردن عاشق و معشوق به شمع و پروانه

این مضمون عاشقانه در سه باب آخر مختارنامه (بابهای ۴۷، ۴۸ و ۴۹) آمده است و عطار بصورت وجه بسیار زیبایی عاشق و معشوق را به شمع و پروانه تشبیه کرده است. حکایت چرخیدن پروانه به دور شمع، از قدیم‌الایام نشان از دلبستگی شدید و دائمی عاشق به معشوق است، که عاشق دیوانه‌وار به دور معشوق میچرخد و در نهایت جان شیرین خود را ازدست میدهد. از دیدگاه عطار عاشق شیدا بسان یک پروانه دلبسته است، که هیچ لحظه‌ای تاب دوری شمع را ندارد و دیوانه‌وار آن قدر به دور شمع میچرخد تا بال و پرش بسوزد و از پا بیفتد.

پروانه به شمع گفت یارم باشی	گفتا که اگر کشته زارم باشی
در رو به میان آتش و پاک بسوز	گر میخواهی که در کنارم باشی

(همان: شماره ۲۰۳۲)

چون شمع جمال خود به پروانه نمود
چون شمعش گفتا چه بود گفت آمده‌ام
پروانه ز شوق او فرود آمد زود
تا جمله تو باشم و نمی یارم بود
(همان: شماره ۲۰۴۴)

نتیجه‌گیری

رباعیات عطار در اثر ارزشمند مختارنامه شامل درونمایه‌های زیبای عارفانه، تعلیمی، اخلاقی، فلسفی، خیّامی و عاشقانه می‌باشد، که شامل مضامینی همچون توحیدگرایی، حیرت، تزکیه نفس، مرگ و بی‌اعتباری دنیا، قلندریات و عشق الهی می‌باشد و در نوع خود بینظیر و درخور توجه هستند. رباعیات عطار را میتوان از جهات مختلف بر اشعار دیگر رباعی‌سرایان برتری داد، از جمله مفاهیم ناب اخلاقی و عرفانی که هیچ زمان تازگی خود را ازدست نخواهند داد.

درونمایه‌های عرفانی: بارزترین وجه رباعیات عطار همین درونمایه‌های عرفانی می‌باشد که باعث شهرت خود عطار و بخصوص مختارنامه شده است. رباعیات عرفانی عطار بسیار پرمغز و دارای عناوین بسیار نابی هستند که برای هر محقق دینی و ادبی تازگی و زیبایی خاصی دارد. از مضامین مهم عرفانی در آغاز مختارنامه بحث توحیدگرایی می‌باشد. عطار در رباعیات توحیدی، خدا را همه‌کاره و ناظر عالم هستی میداند و تأکید میکند در برابر قدرت لایزال خداوندی همه موجودات ضعیف بوده و باید او را عبادت و ستایش کنند. بحث مهم بعدی در بخش عرفانی مختارنامه امید به فضل و رحمت خداوند متعال است. در نظر عطار اگر انسانها معتقد به نگاه رحمت خداوند در تمام شئون زندگی و نیازهای مادی و معنوی خود باشند غیرممکن است که ذره‌ای غم و ناشکیبایی در درونشان باقی بماند.

درونمایه‌های فلسفی: بینش عطار در باب مباحث فلسفی شامل حیرت و مسئله مرگ می‌باشد. حیرت عطار در این رباعیات حکایت از تردیدی مقدس دارد که انسان طالب راه حق می‌خواهد از لابلای گرفتاریها و زرق‌وبرق دنیا خود را بیرون کشیده و راهی را برای رسیدن به کمالات انسانی و رضایت الهی پیدا کند و همچنان حیران و سرگشته است که چگونه این راه را پیدا کند؛ ولی سرانجام با تلاش و مجاهدت به این سعادت دست پیدا خواهد کرد. دومین بحث در درونمایه‌های فلسفی مسئله مرگ و بی‌اعتباری دنیا می‌باشد. مضمون دنیا و عناوین مرتبط با آن و یاد مرگ با نگاه ویژه‌ای در رباعیات مختارنامه عطار بکار رفته است. عطار با نگاه عارفانه خود دنیا را جایگاهی بسیار پست و ذلیل برشمارده و از همه انسانهای خداجو و سالکان راه حق می‌خواهد به دنیا و ظواهر آن توجه نکنند و آنرا در آلودگیهای نفسانی و شهوانی گرفتار خواهند شد.

درونمایه‌های تعلیمی و اخلاقی: ارزشمندترین قسمت رباعیات مختارنامه همین درونمایه‌های اخلاقی و تعلیمی می‌باشد، چراکه هر خواننده‌ای با خواندن این رباعیات بینظیر بهره‌های اخلاقی وافری میبرد و میتواند این عناوین را سرلوحه امورات زندگی خود قرار دهد. نکات تعلیمی و اخلاقی مختارنامه در بابهای دوازدهم با عنوان شکایت از نفس و ذمّ خویش، باب پانزدهم در نیازمندی به ملاقات با همدمی محرم، باب شانزدهم با عنوان عزلت و اندوه و درد و صبر گزیدن، باب هفدهم با عنوان خاصیت خاموشی گزیدن، باب هجدهم با عنوان همت بلند داشتن، باب نوزدهم با عنوان دوری گزیدن از تفرقه، باب بیستم با عنوان یکرنگی گزیدن، باب بیست‌ویکم با عنوان پذیرش حق و همه از او دیدن، و باب بیست‌وهشتم با مضمون امیدواری به حق بیان گردیده است و این بابها را عطار به زیبایی هرچه تمامتر در قالب رباعیاتی پرمغز تشریح کرده است.

درونمایه‌های خیّامی: تعدادی از رباعیات عطار با رویکردی خیّامی سروده شده‌اند و مبحث قلندریات و خمّریات، که از مضامین مشترک این دو شاعر می‌باشد، در باب چهل‌وچهارم در قالب ۷۷ رباعی سروده شده‌اند. قلندریات نوع ویژه‌ای از رباعیات عطار نیشابوری هستند که به شیوه‌ای متفاوت، دیدگاه عرفانی او را در جهت القای اندیشه‌های ملامتی‌اش مطرح کرده است؛ به عبارت دیگر، غزل‌های ملامتی و قلندری عطار، این امکان را فراهم کرده که نظر ایشان را در زمینه انتقادات اجتماعی و نکوهش زاهدان ریاکار و ظالم دریابیم. سبک فکری عطار در رباعیات قلندری مختارنامه، بر پایه اندیشه ملامتی و با بهره‌گیری از عناوین قلندری که فرافکنی و تغییر رویه است، استوار می‌باشد. ایشان درونمایه‌های قلندریش را در جهت بروز اندیشه‌های عرفانی خود قرار داده است؛ بطوریکه شخصیت عاصی قلندر در اشعار بتواند براحتی انتقادات خود را از دینداران ظاهرنا ابراز کند.

درونمایه‌های عاشقانه: عظیم‌ترین بخش رباعیات مختارنامه متعلّق به درونمایه‌های عاشقانه می‌باشد که در ۱۹ باب و در قالب حدوداً هزار بیت رباعی سروده شده است. عشق واژه‌ای است که هرگز از زبان عطار نمی‌افتد. مضامین عاشقانه در اکثر قریب به اتفاق آثار عطار بکار رفته است و عطار بدون واژه عشق و عاشقی وجه شاعری و شخصیت عرفانی خود را ازدست می‌دهد. در تفسیر شوق به معشوق باید گفت که منظور عطار از معشوق در همه آثار و اشعارش همان معبود حقیقی است که در نزد همه بندگان قابل ستایش و عبادت کردن است و عطار سعادت هر انسانی را در توجّه کردن بسوی خالق خود میداند.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت استخراج شده است. آقای دکتر نعمت اصفهانی عمران راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای حمزه اکبری زاده به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر حمید طبسی با تجزیه و تحلیل داده‌ها نقش مشاور این کار را به عهده داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

بر خود واجب میدانم از استادان محترم بخش ادبیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت که در سالهای تحصیل از محضرشان بهره بردم و ماحصل دانش و اندیشه من، در نتیجه آموختن از آنهاست، قدردانی نمایم.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Attar Neyshabouri, Farid al-Din. (۲۰۱۰). Mokhtarnameh, by Mohammad Reza Shafiei Kadkani, ۵th edition, Tehran: Sokhan.
- Dastjerdi, Tahereh. (۲۰۰۳). Reflection of the Quranic Concept of Patience in the Works of Attar Neyshabouri, *Scientific Research Journal of Isfahan Faculty of Humanities Literature*, (۲) ۳۲, pp.۷۳-۱۰۲.
- Ebrahimi Dinani, Gholam Hossein. (۱۹۹۸). Philosopher's Prayer, Collection of Articles, Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences, p.۳۷۳.
- Ghasemi, Shahin and Mahozi, Mehdi. (۲۰۱۲). Critique and analysis of the concept of mystical silence from Attar's point of view, *Journal of Culture and Literature*, (۱۳) ۸, pp.۱۵۵-۱۷۱.
- Hejazi, Behjat al-Sadat. (۲۰۰۴). The Perfect Man in the View of Attar, Tehran: Shahin, p.۷۲.
- Saremi, Soheila. (۱۹۹۴). Mystical terms and prominent concepts in Attar language, Tehran: Publications of the Institute of Humanities and Cultural Studies, p.۱۲۱, ۱۴۲.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (۱۹۸۷). Images of Imagination in Persian Poetry, Tehran: Agah, p.۲۴۵.
- Ta'efi, Shirzad and Shahsvand, Atefeh. (۲۰۱۲). A Study of Qalandariats in Attar Neyshabouri's Divan, Qom, *Journal of Religions and Mysticism*, (۲) ۴۵, pp.۳۹-۶۱.
- Zarrinkoob, Abdolhossein. (۲۰۰۰). The Voice of Simorgh Wing, About Attar's Life and Thought, Second Edition, Tehran: Sokhan, p.۱۱۷.

فهرست منابع فارسی

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین، (۱۳۷۷)، نیایش فیلسوف، مجموعه مقالات، مشهد: نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- حجازی، بهجت‌السادات، (۱۳۸۳)، انسان کامل در نگاه عطار، تهران: شاهین.
- دستجردی، طاهره، (۱۳۸۲)، بازتاب مفهوم قرآنی صبر در آثار عطار نیشابوری، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات علوم انسانی اصفهان، (۲) ۳۲، صص ۷۳-۱۰۲.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۹)، صدای بال سیمرغ، درباره زندگی و اندیشه عطار، چاپ دوم، تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۶۶)، صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگه.
- صارمی، سهیلا، (۱۳۷۳)، مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- طایفی، شیرزاد و شاهسون، عاطفه، (۱۳۹۱)، بررسی قلندریات در دیوان عطار نیشابوری، قم، مجله ادیان و عرفان، (۲) ۴۵، صص ۶۱-۳۹.

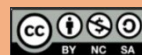
عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۸۹)، مختارنامه، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ ۵، تهران: سخن.
قاسمی، شهین و ماحوزی، مهدی، (۱۳۹۱)، نقد و تحلیل مفهوم سکوت عارفانه از دیدگاه عطار، پژوهشنامه فرهنگ و ادب، (۱۳)، ۸، صص ۱۷۱-۱۵۵.

معرفی نویسندگان

حمزه اکبری‌زاده: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران.
(Email: hamzehakbarizadeh1361@gmail.com)
نعمت اصفهانی عمران: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران.
(Email: Dr.esfahaniomran2018@gmail.com) نویسنده مسئول:
حمید طبسی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران.
(Email: Hamidtabasi@yahoo.com)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Hamzeh Akbarizadeh: PhD Student in Persian Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.
(Email: hamzehakbarizadeh1361@gmail.com)
Nemat Esfahani Omran: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.
(Email: Dr.esfahaniomran2018@gmail.com : Responsible author)
Hamid Tabasi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran.
(Email: Hamidtabasi@yahoo.com)